

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/ravanshenasi.2024.2020968 20.1001.1.20081782.1403.17.3.6.8

A Survey into the Marital Conflicts in Seminary Student Families: An Analysis Considering Religiosity and Islamic Lifestyle

✉ **Masoud Nooralizadeh Miyanji**  / Assistant Professor, Department of Psychology, Shahed University, Tehran, Iran. mnour@shahed.ac.ir

Husain Elahi / PhD student in Psychology, Higher Education Complex for Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. hoseynelahi@chmail.ir

Received: 2023/09/24 - **Accepted:** 2023/11/15

Abstract

The present study aimed to survey marital conflicts in seminary student families with regard to the Islamic lifestyle. The present research method is descriptive survey type. The research sample consists of 626 people (313 couples) who were selected through multi-stage cluster random sampling method from among married seminary students in Qom city and responded to Sanai's revised marital conflict questionnaire (2008, MCQ-R). The findings of the study showed that the level of marital conflict in student couples was significantly low and normal; 70.4% had low conflict, 28.3% had normal conflict, and 1.3% had high conflict. This is explained by the Islamic lifestyle, religiosity, and specific educational and training programs that students have. Therefore, in psychological analysis of the factors of marital conflicts and planning for their prevention and treatment, it is better to pay sufficient attention to underlying factors such as lifestyle and religiosity of individuals. Also, educational and training programs with a spiritual and religious approach are proposed that will improve the quality of married life and compatibility between spouses.

Keywords: marital conflicts, compatibility between spouses, seminary students, Islamic lifestyle, religiosity.

پیمایش تعارضات زناشویی در خانواده‌های طلاب: یک تحلیل با توجه به دین‌داری و سبک زندگی اسلامی

mnour@shahed.ac.ir

hoseynelahi@chmail.ir

مسعود نورعلیزاده میانجی  / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

حسین الهی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعةالمصطفی العالمیه، قم، ایران.

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیمایش تعارضات زناشویی در خانواده‌های طلاب با توجه به سبک زندگی اسلامی انجام گرفت. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. نمونه پژوهش شامل ۶۲۶ نفر (۳۱۳ زوج) است که به روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین طلاب متأهل شهر قم انتخاب شدند و به پرسش‌نامه تعارضات زناشویی تجدیدنظرشده ثنائی (۱۳۸۷، MCQ-R) پاسخ دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان تعارضات زناشویی در زوج‌های طلبه به‌طور چشمگیری کم و بهنجار است؛ بدین شرح ۷۰/۴ درصد تعارض کم، ۲۸/۳ درصد تعارض بهنجار و ۱/۳ درصد تعارض زیاد داشتند. این امر با توجه به سبک زندگی اسلامی، دین‌داری و برنامه‌های تربیتی و تربیتی خاصی که طلاب دارند تبیین می‌شود. بنابراین در تحلیل روان‌شناختی عوامل تعارضات زناشویی و برنامه‌ریزی برای پیشگیری و درمان آن بهتر است به عوامل زیربنایی همچون سبک زندگی و دین‌داری افراد توجه کافی شود. همچنین برنامه‌های آموزشی - تربیتی با رویکرد معنوی و دینی که باعث ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و سازگاری همسران خواهد شد، پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تعارضات زناشویی، سازگاری همسران، طلاب، سبک زندگی اسلامی، دین‌داری.

خانواده به عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین واحد جامعه است که در تأمین نیازهای جسمی و روانی انسان‌ها و همچنین سلامت جامعه نقش اساسی برعهده دارد. محیط خانواده اولین و مهم‌ترین عاملی است که بر رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد؛ از این رو محبوب‌ترین امور نزد خداوند متعال استحکام و سلامت خانواده و مبعوض‌ترین آنها از هم‌پاشیدن کانون گرم خانواده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۸).

عوامل متعددی می‌تواند سبب بروز اختلاف و گسست در خانواده گردد؛ یکی از این عوامل اختلاف‌ها، وجود تعارضات زناشویی در بین همسران است. تعارضات زناشویی یکی از مشکلات شایع در دنیای امروز است که به دلیل اثرات مخرب آن مورد توجه مشاوران و روان‌درمانگران واقع شده است. تعارض در زبان کاربردی به عنوان تضاد و عدم توافق در نظر گرفته می‌شود (تبریزی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۷۱). تعارض مفهومی است در مقابل همکاری و سازگاری، تداخل فعالیت‌ها، علایق، منافع و اهداف و یا دیگر امور وابسته به شما، با فعالیت‌ها، علایق، منافع و اهداف و دیگر امور وابسته به شخص دیگر است (بارون و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۷۰۸). تعارض در روابط همسران از نوعی ارتباط زناشویی به وجود می‌آید که در آن رفتارهای خصومت‌آمیز مثل توهین، سرزنش، انتقاد و حمله فیزیکی وجود دارد و همسران در آن نسبت به یکدیگر احساس کینه، نفرت و خشم داشته و هریک عقیده دارند که همسرش انسان نامطلوب و ناسازگاری است که سبب رنجش و عذاب او می‌گردد (مولوی، ۱۳۹۴، ص ۹). بنابراین تعارض زناشویی نوعی کشمکش و عدم توافق مداوم و معنادار بین دو همسر است که حداقل توسط یکی از آنها گزارش می‌شود. منظور از معنادار، تأثیر این مسئله بر عملکرد همسران و منظور از مداوم، اشاره به اختلافاتی است که به مرور زمان از بین نمی‌روند (هالفورد، ۲۰۰۱، ص ۳۵). قرآن کریم از مفهوم تعارض بین همسران با واژه‌هایی مانند اعراض (نساء: ۱۲۸)، نشوز (نساء: ۱۲۸) و شقاق (نساء: ۳۴) یاد کرده است. «نشوز» در واژگان عربی به معنای ناخوشایندی هریک از همسران نسبت به دیگری است، به گونه‌ای که نسبت به یکدیگر حس برتری، سرکشی، بغض و تمرد داشته باشند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۱۸). «شقاق» نیز به معنای اختلاف و جدا کردن قلمرو به کار می‌رود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۹۴) و «اعراض» به معنای مانع شدن و روی برگرداندن کاربرد دارد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۸۳). همسران متعارض کمترین میزان رضایت‌مندی از ازدواج و بیشترین احتمال طلاق را نشان می‌دهند (فاورز و السون، ۱۹۹۲، ص ۱۰). در سطح نهاد خانواده عواقب تعارض به وجود آمده نه تنها گریبان گیر همه اعضای خانواده می‌شود؛ بلکه خویشان، بستگان و آشنایان آنها را هم ممکن است تحت تأثیر قرار دهد (منصوریان و فخرایی، ۱۳۸۶، ص ۷۷). پژوهش‌هایی در رابطه با تعارضات زناشویی صورت گرفته و دیدگاه‌های نظری فراوانی درباره تعارض ارائه شده است؛ دیدگاه‌هایی همچون رویکرد سیستمی (System approach)، رویکرد رشدی (Developmental)، رویکرد رفتاری (Behavioral) و رویکرد حل مسئله (Problem solving) که بیشتر به تعارض از جنبه تعاملی می‌نگرند

(فاتحی زاده و دیگران، ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد اولین مطالعه منتشر شده درباره رضایت و خشنودی زناشویی به کارهای ترمن (Terman) مربوط می‌شود (احمدی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۰). نظریه تعارض مطرح می‌کند که برای دو نفری که محصول تجارب مختلفی هستند، غیرممکن است تعارضی در رابطه نداشته باشند. در حقیقت هر ازدواجی لحظه به لحظه درجه‌هایی از تعارض را به همراه دارد که از منابع متعددی سرچشمه می‌گیرد (سالاری فر و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۹۶). منابع بالقوه‌ای همچون بافت اجتماعی، استرس موقعیتی، تفاوت‌های ادراکی و دیدگاهی، بی‌انصافی در روابط، عدم تعادل در تبادل، اسناد بیرونی، ضعف رفتاری در مدیریت تعارض، شکست راهبردهای مذاکره و مشکلات مربوط به مراحل زندگی، امکان بروز تعارض بین همسران را رقم می‌زنند (لانگ و یانگ، ۱۳۹۲، ص ۲۹۶-۳۰۰). عوامل دیگری نظیر ویژگی‌های شخصیتی، اختلالات روانی، شرایط جمعیت‌شناختی، تفاوت و کاستی در وضعیت فرهنگی و مذهبی، تنش‌ها و تعارضات بین همسران را افزایش می‌دهد و تداوم زندگی را تهدید می‌کنند (هراتیان و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳). پژوهش لهسایی زاده و دیگران (۱۳۹۲)، نشان داد بین تعارض زناشویی با تحصیلات زوجین، اشتغال زنان، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، رضایتمندی جنسی، میزان اعتماد به نفس، دخالت خانواده‌ها و عدم تفاهم و عدم تجانس فرهنگی و اعتقادی رابطه معناداری وجود دارد.

یکی از عوامل محوری و تأثیرگذار در تعارضات زناشویی، سبک زندگی افراد است (شمس‌الدینی، ۱۳۹۷). مفهوم سبک زندگی (Life Style) از جمله مفاهیم جدیدی است که در حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی به کار رفته و ناظر به رفتار انسان‌هاست (فعالی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۶). مفهوم سبک زندگی توسط آدلر (Alfred Adler) به عنوان خود، فردیت، شیوه مواجهه فرد با مشکلات و نگرش کلی فرد نسبت به زندگی به کار رفته است (آنسباچر و دیگران، ۱۹۵۶، ص ۹۶). آدلر مکتب خود را روان‌شناسی فردی (individual psychology) نامید. هسته مرکزی نظریه روان‌شناسی فردی، سبک زندگی است که در بسیاری از تظاهرات روان‌شناختی فرد انعکاس دارد. نظریه آدلر به افراد کمک می‌کند تا بتوانند با مقاطع حساس دوران رشد، با بحران‌های زندگی و با تغییرات به وجود آمده در زندگی سازگار شوند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۵). سبک زندگی روشی است که از طریق آن افراد به سوی تکالیف زندگی سوق پیدا کرده یا از آن اجتناب می‌ورزند و با این اقدام تلاش می‌کنند تا به هدف غایی تخیلی خود واقعیت بخشند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۴). هوشمندی و دیگران (۱۴۰۰) به شناسایی و سنجش عوامل تعارضات زناشویی در ایران پرداخته‌اند که برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی زناشویی از جمله آن عوامل می‌باشد. شمس‌الدینی (۱۳۹۷) نشان داد که اجرای مداخله سبک زندگی سلامت‌محور باعث افزایش معنادار رضایت از زندگی می‌شود. نتایج پژوهش حسینی کامکار و دیگران (۱۳۹۲) نیز نشان داد، تغییر سبک زندگی بر بهبود سلامت روان و حل تعارضات زوجین دارای ناسازگاری زناشویی تأثیر معناداری دارد. نتایج پژوهش درویشی (۱۳۹۴) نشان داد، سبک‌های زندگی ۲۰ درصد از واریانس صمیمیت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. در پژوهش جمالی و اسلمی (۱۴۰۰)

بین سبک زندگی و تعارضات زناشویی همبستگی منفی یافت شد. نتایج پژوهش الهربی و سهرابی (۱۳۹۵) نیز نشان داد که سازگاری و تعارضات زناشویی بر اساس سبک زندگی قابل پیش‌بینی است.

پژوهش حاضر به دنبال پیمایش تعارضات زناشویی در جامعه‌ای است که سبک زندگی اسلامی دارند. برای معرفی سبک زندگی اسلامی می‌توان به درخت سبک زندگی اشاره کرد که ریشه‌های این درخت، همان ریشه‌های سبک زندگی است و ساقه آن درباره اعتقادات و نگرش‌های کلی افراد (شامل اعتقادات، عواطف، آمادگی رفتاری و غیره) است و شاخه‌ها و سرشاخه‌های این درخت، وظایف زندگی هستند (کجباف و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۶۵). با عنایت به آموزه‌های دینی تعریف سبک زندگی عبارت است از: مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار جهت نیل به هدف که از بینش‌های دینی و ارزش‌های الهی متأثر بوده، به صورت عینی و در متن زندگی تجلی می‌یابد (فعال، ۱۳۹۷، ص ۱۳۶). سبک زندگی اسلامی می‌تواند از طریق ایجاد باورها و ارزش‌های یکسان در میان اعضای خانواده به کاهش تعارضات و افزایش همبستگی میان اعضا کمک کند. همچنین از طریق ایجاد سلامت روانی در زوجین و ایجاد ویژگی‌هایی مانند صبر، گذشت و تعهد خانوادگی در آنها به ایجاد روابط همدلانه میان زوجین کمک می‌کند (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۹). درب اصفهانی و دیگران (۱۳۹۷) دریافتند که سبک زندگی اسلامی با رضایت از زندگی و سلامت روانی رابطه مثبت و معناداری دارد. ارتباط سبک زندگی اسلامی با نظام خانواده و مؤلفه‌های روابط همسران نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پریسوز و زارعی (۱۳۹۴) نشان دادند که آموزش سبک زندگی اسلامی با تأکید بر نظام خانواده، رضایت زناشویی زوجین و ابعاد آن را افزایش می‌دهد. پژوهش برجلی و دیگران (۱۳۹۷) نشان داد سبک زندگی اسلامی اثر مستقیم و معنادار بر رضایت زناشویی دارد.

ازجمله متغیرهایی که قابلیت دارد تا نقش فعالی در تبیین روابط و رضایتمندی زناشویی ایفا کند، دین‌داری می‌باشد (یعقوبی سربالا و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۶۵). دین بهترین عامل ثبات و پایداری در ازدواج است و افرادی که برای مدت طولانی با هم زندگی می‌کنند، دین را به عنوان مهم‌ترین عامل رضایتمندی در ازدواج تلقی می‌کنند (نیکویی و سیف، ۱۳۸۴، ص ۶۳). عقاید مذهبی و باورهای دینی تأثیر بسزایی در استحکام خانواده و رضایت زناشویی دارد؛ زیرا ارزش‌های مذهبی بر دیدگاه زوجها درباره اهداف ازدواج و میزان توافقی که هریک از آنها بر موضوعات خاص دارند اثر می‌گذارد (پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵، ص ۱۸۵). تعلیم و باورهای دینی می‌تواند فرد را به سوی کمال و تعالی و در نتیجه رضایتمندی بیشتر هدایت کند، به گونه‌ای که فردی که با آگاهی و شناختی منطقی نسبت به دستورات دین به یقین رسیده باشد، با ایمان کامل تحت هر شرایطی به آن فرامین عمل می‌کند و برای ارزش‌های دینی به عنوان جزء لازم زندگی‌اش احترام قائل است و آن را برای مطابقت با جریان‌های زندگی خودش لازم می‌داند (نیکویی و سیف، ۱۳۸۴، ص ۷۴). بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که انجام اعمال دینی رضایتمندی از ازدواج را پیش‌بینی می‌کند (غباری بناب، ۱۳۸۰، به نقل از: گلین و وپوز، ۱۹۸۷). یافته‌های ماهونی و دیگران (۱۹۹۹) نشان

می‌دهد که دین و دین‌داری موجب افزایش مشارکت کلامی، کاهش پرخاشگری کلامی و تعارض زناشویی شده و در نهایت موجب افزایش رضایتمندی زناشویی می‌شود. یافته‌های خدایاری‌فرد و دیگران (۱۳۸۶) نشان داد بین نگرش مذهبی زوجین و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش تقیدات دینی در بین زوجین میزان رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. دین‌داری و باورهای مذهبی می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد و عدم پایبندی به مسائل مذهبی می‌تواند بی‌تعهدی را در رفتار زوجین ایجاد کند و از این طریق باعث کاهش رضایت زناشویی شود. مذهب می‌تواند بر باورها و تفسیر افراد از ازدواج، به عنوان مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر تأثیر داشته باشد و رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی کند (صدیقی و دیگران، ۱۳۹۴). در این میان دین‌داری درون‌سو بیشترین اثر را دارد. نیکویی و سیف (۱۳۸۴) نشان دادند بین جهت‌گیری دینی درونی و عمل به باورهای دینی با رضایتمندی زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد. با توجه به این ارتباط پژوهشی یافت‌شده میان مؤلفه‌های سبک زندگی و دین‌داری با سازه‌های مرتبط با تعاملات همسران؛ اما همچنان تحلیل ابعاد تعارضات زناشویی، با توجه به این مؤلفه‌ها، عوامل و سازوکارهای شکل‌گیری و موانع تعارضات، نیازمند واکاوی بیشتر و دقیق‌تر است. این مهم با توجه به افزایش روزافزون طلاق و پیشگیری و درمان تعارضات زناشویی همچنان در صدر رویدادهای پژوهشی و خدمات روانی - اجتماعی است. از آنجاکه تحلیل ارتباطی میان این سازه‌ها به‌ویژه در یک پژوهش پیمایشی در میان زوج‌هایی که دارای برنامه‌های خاص اخلاقی و سبک زندگی اسلامی و در عمل پایبند به دین و مناسک اسلامی هستند، انجام نگرفته است، ضروری می‌نماید که میزان و چگونگی تعارضات زناشویی در این گونه افراد مورد بررسی قرار گیرد.

از این‌رو پژوهش حاضر به دنبال پیمایش تعارضات زناشویی در جامعه‌ای است که دین‌داری و سبک زندگی اسلامی دارند. از آنجاکه خانواده‌های طلاب به‌طور معمول پایبند به دین و سبک اسلامی در زندگی خود هستند و از برنامه‌های آموزشی، تهذیبی و تربیت دینی برخوردار هستند، میزان تعارضات زناشویی آنها به چه اندازه است؟ آیا دین‌داری و سبک زندگی در کاستی تعارضات زناشویی آنها نقش دارد؟ بنابراین پژوهش حاضر با هدف پیمایش تعارضات زناشویی در جمعیت طلاب با دین‌داری و سبک زندگی اسلامی انجام می‌گیرد. بر این اساس، فرضیه پژوهش عبارت است از: میزان تعارضات زناشویی در خانواده‌های طلاب که از دین‌داری و سبک زندگی اسلامی برخوردارند کم است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل همه طلاب متأهل حوزه علمیه ساکن مجتمع‌های مسکونی پردیسان و شهر قم می‌باشد. از میان جامعه آماری فوق تعداد ۷۵۰ نفر (۳۷۵ زوج) بر اساس جدول مورگان تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا مجتمع‌های مسکونی طلاب قم به لحاظ فراوانی سکونت به دو منطقه (پردیسان - سطح شهر) و سپس در مرحله

بعد به چند محله تقسیم شدند؛ بعد در هر منطقه و محله بر اساس تعداد واحدهای مسکونی آن نسبت به کل واحدهای مسکونی، ۵۰۰ جفت مجموعه پرسش‌نامه (۱۰۰۰ نفر) به صورت تصادفی (با واحد نمونه خوشه‌ای مجتمع مسکونی) توزیع گردید؛ در نهایت بعد از جمع‌آوری نمونه‌های توزیع‌شده و غربالگری پرسش‌نامه‌های بی‌اعتبار، تعداد ۶۲۶ نفر (۳۱۳ زوج) به‌عنوان نمونه نهایی برای تحقیق به‌دست آمد. گردآوری داده‌های تحقیق از طریق اجرای پرسش‌نامه تعارضات زناشویی تجدیدنظرشده ثنائی ذاکر و دیگران (MCQ-R) انجام گرفت.

پرسش‌نامه تعارضات زناشویی: پرسش‌نامه تعارضات زناشویی تجدیدنظرشده (MCQ-R) شامل ۵۴ سؤال است که توسط ثنائی ذاکر و دیگران (۱۳۸۷) برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری ساخته شده است. این پرسش‌نامه هشت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارت‌اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند(ان)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر می‌باشد. برای هر سؤال پنج گزینه در نظر گرفته شده است که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آنها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسش‌نامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است. کسانی که نمره خام آنها در دامنه ۷۹ تا ۱۴۹ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۴۰ تا ۶۰)، دارای روابط زناشویی بهنجار هستند و کسانی که نمره خام آنها در دامنه ۱۵۰ تا ۱۸۶ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۶۰ تا ۷۰)، دارای تعارض بیش از حد بهنجار و نمره خام ۱۸۷ و بالاتر (معادل نمره استاندارد T بالاتر از ۷۰)، دارای تعارض شدید و یا روابط شدیداً آسیب‌پذیر هستند. پرسش‌نامه «تعارضات زناشویی» از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل محتوای آزمون پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسش‌نامه و مقیاس‌های آن به دلیل همبستگی مناسب تمام سؤالات، هیچ سؤالی حذف نشد. ضریب پایایی (اعتبار) آزمون با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر ۰/۹۶ به‌دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۸۶۶ به‌دست آمد. سؤال‌های خرده‌مقیاس‌های تعارضات زناشویی عبارت‌اند از: کاهش همکاری، پرسش‌های (۴، ۱۲، ۱۸، ۲۵، ۳۴)، کاهش رابطه جنسی، پرسش‌های (۵، ۱۳، ۱۹، ۳۵، ۴۰)، افزایش واکنش‌های هیجانی، پرسش‌های (۶، ۱۴، ۲۰، ۲۷، ۳۶، ۴۲، ۴۹، ۵۱)، افزایش جلب حمایت فرزند، پرسش‌های (۹، ۲۲، ۳۱، ۳۸، ۴۴)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، پرسش‌های (۸، ۱۵، ۲۱، ۲۹، ۳۷، ۴۳)، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، پرسش‌های (۱، ۲۳، ۳۲، ۴۶، ۵۰، ۵۳)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر، پرسش‌های (۲، ۱۰، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۳۹، ۴۸) و کاهش ارتباط مؤثر، پرسش‌های (۳، ۷، ۱۱، ۱۶، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۵۲، ۵۴).

یافته‌های پژوهش

آماره‌ها و شاخص‌های توصیفی این پیمایش عبارت‌اند از:

سن شرکت کننده ها

بیشترین درصد پاسخگویان (۴۲٪) در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ سال قرار دارند. گروه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال (۲۶/۵٪)، گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال (۷/۵٪) و گروه سنی بالای ۴۵ سال (۷٪) در رتبه های بعدی قرار دارند (اطلاعات بیشتر در جدول ۱).

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب رده های سنی

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	رده های سنی پاسخگو	پاسخ
۹	۹	۷/۵	۴۷	۱۵ تا ۲۵ سال	
۵۹/۶	۵۰/۶	۴۲	۲۶۳	۲۵ تا ۳۵ سال	
۹۱/۵	۳۱/۹	۲۶/۵	۱۶۶	۳۵ تا ۴۵ سال	
۱۰۰	۸/۵	۷	۴۴	بالای ۴۵ سال	
-	۱۰۰	۸۳/۱	۵۲۰	مجموع	
-	-	۱۶/۹	۱۰۶	بی پاسخ	
-	-	۱۰۰	۶۲۶	کل پاسخگویان	

میزان تحصیلات

بیشترین درصد (۱۹٪) میزان تحصیلات پاسخگویان «کارشناسی ارشد» است (اطلاعات بیشتر در جدول ۲).

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد فراوانی	فراوانی	میزان تحصیلات	پاسخ
۳/۸	۳/۸	۳/۱	۱۹	زیر دیپلم	
۲۶/۹	۲۳/۱	۱۸/۴	۱۱۵	دیپلم	
۳۰/۷	۳/۸	۳	۱۹	فوق دیپلم	
۴۳/۴	۱۲/۷	۱۰/۱	۶۳	کارشناسی	
۶۷/۳	۲۳/۹	۱۹	۱۱۹	کارشناسی ارشد	
۷۲/۱	۴/۸	۳/۸	۲۴	دکتری	
۷۸/۷	۶/۶	۵/۳	۳۳	حوزوی	
۷۸/۹	۰/۲	۰/۲	۱	حوزوی سطح یک	
۸۴/۷	۵/۸	۴/۶	۲۹	حوزوی سطح دو	
۹۱/۶	۶/۸	۵/۴	۳۴	حوزوی سطح سه	
۱۰۰	۸/۴	۶/۷	۴۲	حوزوی سطح چهار	
	۱۰۰	۷۹/۶	۴۹۸	مجموع	
		۲۰/۴	۱۲۸	بی پاسخ	
		۱۰۰	۶۲۶	کل پاسخگویان	

مدت ازدواج

نتایج نشان می‌دهد مدت زمان ازدواج ۲۹/۴ درصد افراد «۵ تا ۱۰ سال»، ۲۴/۹ درصد «۱۰ تا ۱۵ سال»، ۱۶/۸ درصد «۱ تا ۵ سال» و ۲۰/۷ درصد ۱۵ سال و بالاتر است.

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مدت زمان ازدواج

مدت زمان ازدواج	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱ تا ۵ سال	۱۰۵	۱۶/۸	۱۸/۳	۱۸/۳
۵ تا ۱۰ سال	۱۸۴	۲۹/۴	۳۲	۵۰/۳
۱۰ تا ۱۵ سال	۱۵۶	۲۴/۹	۲۷/۱	۷۷/۴
۱۵ سال و بالاتر	۱۳۰	۲۰/۷	۲۲/۶	۱۰۰
مجموع	۵۷۵	۹۱/۹	۱۰۰	
بی‌پاسخ	۵۱	۸/۱		
کل پاسخگویان	۶۲۶	۱۰۰		

میزان تعارضات زناشویی

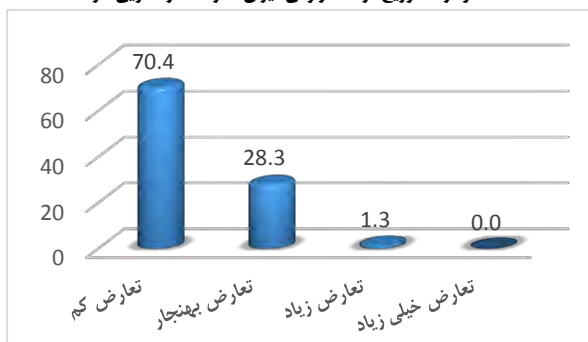
بر اساس توصیف نمرات افراد در متغیر تعارضات زناشویی، نتایج نشان می‌دهد که میانگین افراد ۱۰۱ می‌باشد. قابل ذکر است که بالاترین نمره‌ای که افراد در پرسش‌نامه تعارضات زناشویی ثنایی می‌تواند دریافت کند ۲۷۰ است.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد تعارضات زناشویی افراد

تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
۶۲۶	۶۱	۱۸۰	۱۰۱/۰۳۵	۱۹/۹۳۷
Valid N (listwise)	۶۲۶			

به‌منظور تبیین وضعیت تعارضات زناشویی، پاسخگویان به چهار گروه تقسیم شده‌اند: ۱. تعارضات کم: «نمره ۰ تا ۲۵»؛ ۲. تعارضات بهنجار: «نمره ۲۵ تا ۵۰»؛ ۳. تعارضات زیاد: «نمره ۵۰ تا ۷۵»؛ ۴. تعارضات خیلی زیاد: «نمره ۷۵ تا ۱۰۰». نتایج نشان داد، ۷۰/۴ درصد افراد دارای تعارضات زناشویی کم، ۲۸/۳ درصد تعارضات زناشویی بهنجار و ۱/۳ درصد دارای تعارضات زیاد هستند و هیچ‌کدام از افراد دارای تعارضات خیلی زیاد نبودند. لازم به ذکر است میانگین (از ۱۰۰) تعارضات زناشویی افراد ۲۱/۵۱ است.

نمودار ۱: توزیع درصد فراوانی میزان تعارضات زناشویی افراد



جدول ۵: توزیع فراوانی میزان تعارضات زناشویی افراد

میزان تعارضات زناشویی		فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
سطح تعارضات	تعارض کم	۴۴۱	۷۰/۴	۷۰/۴
	تعارض بهنجار	۱۷۷	۲۸/۳	۹۸/۷
	تعارض زیاد	۸	۱/۳	۱۰۰
	تعارض خیلی زیاد	۰		
	جمع	۶۲۶	۱۰۰	
آماره	میانگین	۲۱/۵۱		
	واریانس	۸۶/۵۳		
	کمترین	۶		
	بیشترین	۵۸		

تعارضات زناشویی ثنایی (MCQ-R) ۸ بُعد کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر را دربر می‌گیرد. انواع تعارضات زناشویی و میزان تعارض اختصاص یافته به هر کدام از آنها در جدول (۶) آمده است. سطوح تعارضات در چهار درجه کم، بهنجار، زیاد و خیلی زیاد به صورت درصد فراوانی مشخص شده است. طبق این جدول، خانواده‌های طلاب از نظر کاهش همکاری، رابطه جنسی، جلب حمایت فرزندان، رابطه با خویشاوندان خود و همسر یا دوستان و امور مالی از کمترین میزان تعارض برخوردار بودند (بیش از ۶۷ درصد در سطح تعارض کم). از نظر واکنش‌های هیجانی و ارتباط مؤثر از سطحی از تعارض (البته در حد بهنجار) برخوردار بودند. سطح تعارض خیلی زیاد تقریباً هیچ و سطح تعارض زیاد به میزان قابل توجهی بسیار کم است.

جدول ۶: میزان تعارض در خرده‌مقیاس‌های تعارضات زناشویی

خرده‌مقیاس‌های تعارضات زناشویی		کاهش همکاری	رابطه جنسی	واکنش‌های هیجانی	جلب حمایت	خویشاوند خود	خویشاوند همسر	امور مالی	ارتباط مؤثر
میزان تعارض	میانگین	۸/۲۷	۹/۲۲	۱۷/۱۷	۹/۳۳	۸/۴۰	۸/۴۶	۱۲/۶۸	۲۸/۷۳
	انحراف استاندارد	۲/۵۸	۳/۰۷	۳/۹۹	۲/۹۲	۳/۰۶	۳/۱۹	۳/۸۴	۵/۲۷
	تعارض کم	٪۸۲/۱	٪۶۹/۳	٪۴۷/۶	٪۶۷/۵	٪۸۹/۶	٪۹۱/۹	٪۷۲/۷	٪۳۶/۷
	تعارض بهنجار	٪۱۶/۸	٪۲۷/۷	٪۴۶/۸	٪۲۹/۸	٪۸	٪۶/۱	٪۲۴/۸	٪۵۵
	تعارض زیاد	٪۱/۱	٪۳	٪۵/۶	٪۲/۷	٪۲/۴	٪۲/۱	٪۲/۶	٪۸/۱
	تعارض خیلی زیاد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	٪۰/۲

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش پیمایش میزان تعارضات زناشویی در خانواده‌های طلاب با توجه به دین‌داری و سبک زندگی اسلامی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که تعارضات زناشویی در خانواده‌های طلاب به‌طور چشمگیری پایین است. این امر با توجه به دین‌داری، پایبندی مذهبی و سبک زندگی اسلامی طلاب که برخاسته از برنامه‌های آموزشی - تربیتی و اخلاقی - تهذیبی که دارند تبیین می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که هرچه افراد سبک زندگی سالم‌تری داشته باشد و به شیوه‌هایی که آموزه‌های اسلامی به‌ویژه در روابط زناشویی توصیه کرده است عمل کنند، تعارضات زناشویی کمتری را با همسر خود خواهند داشت. نتایج این پژوهش با یافته‌های جمالی و اسلمی (۱۴۰۰)، اله‌ری و سهرابی (۱۳۹۵) و حسینی کامکار و دیگران (۱۳۹۲) همسو است؛ از این جهت که بین سبک زندگی و تعارضات زناشویی همبستگی منفی وجود دارد و یافته‌های سازگاری و تعارضات زناشویی بر اساس سبک زندگی قابل پیش‌بینی است. همچنین با نتایج پژوهش‌های درویشی (۱۳۹۴)، پریسوز و زارعی (۱۳۹۴) و برجلی و دیگران (۱۳۹۷) با توجه به اینکه سبک زندگی اسلامی اثر مستقیم و معنادار بر رضایت زناشویی دارد و می‌تواند به‌طور معناداری صمیمت زناشویی را پیش‌بینی نماید، همسو است. با یافته‌های پژوهش‌های شمس‌الدینی (۱۳۹۷)، آرمند و رسولی‌نژاد (۱۳۹۴)، درب اصفهانی و دیگران (۱۳۹۷) و کجاف و دیگران (۱۳۹۰) از این جهت که سبک زندگی اسلامی باعث افزایش معنادار رضایت و شادکامی از زندگی می‌شود، همسو است. همچنین با نتایج پژوهش‌های صیامی و دیگران (۱۳۹۶)، اخوی ثمرین و خزاعی (۱۳۹۹)، قربانی و دیگران (۱۳۹۶) و سلم‌آبادی و دیگران (۱۳۹۴) با توجه به توانایی پیش‌بینی سلامت روانی و اجتماعی همسو است.

بر اساس نتایج این پژوهش همچنین می‌توان نتیجه گرفت که هرچه افراد از سطح دین‌داری بالاتری برخوردار باشند، از میزان تعارضات زناشویی کمتری برخوردار خواهند بود. نتایج این پژوهش با یافته‌های غباری بناب (۱۳۸۰)، نیکویی و سیف (۱۳۸۴)، صدیقی و دیگران (۱۳۹۴) همسو است؛ از این جهت که انجام اعمال دینی و جهت‌گیری دینی درونی، رضایت‌مندی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند و بین جهت‌گیری دینی درونی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین با یافته‌های ماهونی و دیگران (۱۹۹۹) همسو است؛ از این جهت که دین و دین‌داری موجب افزایش رضایت‌مندی زناشویی می‌شود. همچنین با یافته‌های خدایاری فرد و دیگران (۱۳۸۶) همسو است؛ از این جهت که با افزایش تقبیدات دینی میزان رضایت زناشویی نیز افزایش می‌یابد.

مقایسه نتایج پژوهش‌های انجام‌گرفته با پرسش‌نامه تعارضات زناشویی مشترک با پژوهش کنونی نشان می‌دهد که میانگین تعارضات زناشویی در بین خانواده‌های طلاب پایین‌تر از جامعه‌های آماری در پژوهش‌های دیگر است. بر اساس نتایج این پژوهش میانگین تعارضات زناشویی در زوج‌های طلبه، ۱۰۱ می‌باشد، اما میانگین

تعارضات زناشویی پژوهشی که پیرساقی و دیگران (۱۳۹۴) در جامعه آماری والدین کودکان مهدکودک‌های اردبیل (۱۲۰ زوج) انجام داده‌اند، ۱۹۷/۷ می‌باشد. میانگین تعارضات زناشویی زوج‌های مرودشتی در پژوهش فانی و فانی (۱۳۹۴)، ۲۰۶/۸ می‌باشد. در پژوهش میرشمشیری و دیگران (۱۳۹۴) میانگین تعارضات زناشویی ۲۲۵ نفر از زنان متأهل زرین شهر، ۱۲۴ بود. این میزان در پژوهش موسوی و قلی‌نسب (۱۳۹۸) بر روی زنان متأهل شهر قدس، ۱۱۸/۵ می‌باشد.

بنابراین می‌توان همچنان‌که برجلی و دیگران (۱۳۹۷) نیز بیان کردند، به این نتیجه رهنمون شد که داشتن سبک زندگی اسلامی و پایبندی مذهبی به آموزه‌های دینی ارتباط مستقیمی با میزان تعارضات زناشویی دارد؛ بدین معنی که هرچه پایبندی مذهبی بالاتر و میزان تقید به شیوه‌های ترسیم‌شده الهی بیشتر باشد، تعارضات کمتر است. مهم‌ترین نوآوری در مفهوم سبک زندگی اسلامی، توجه به آموزه‌های دینی است. با عنایت به آموزه‌های دینی تعریف سبک زندگی عبارت است از: مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار جهت نیل به هدف که از بینش‌های دینی و ارزش‌های الهی متأثر بوده، به صورت عینی و در متن زندگی تجلی می‌یابد (فعالی، ۱۳۹۷). خانواده‌های طلاب به‌طور معمول سبک زندگی اسلامی دارند و به مسائل مذهبی پایبندند. همچنین طلاب علوم دینی از برنامه‌های آموزشی و تربیتی ویژه‌ای برخوردارند که در شکل‌گیری خلق‌و‌خوی، شخصیت و منش آنها تأثیرگذار است. هرگاه تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می‌گیرد، دین و مذهب می‌تواند با مفاهیم معنوی، ارزش‌های مذهبی مشترک و تأکید بر مفاهیمی مانند تقدس ازدواج، اختلاف‌نظر افراد را تعدیل کند و مسیر حل تعارضات زناشویی را هموار سازد (هراتیان و دیگران، ۱۳۹۴).

دین انسجام بخش روابط خانواده، محور تصمیم‌گیری‌ها، بازدارنده از انحراف و ایجادکننده معنا و فلسفه‌ای برای زندگی است. دین و سبک زندگی دینی می‌تواند از طریق ایجاد باورها و ارزش‌های یکسان در میان اعضای خانواده به کاهش تعارضات و افزایش همبستگی میان اعضا کمک کند. ایمان مذهبی از طریق ایجاد سلامت روانی در زوجین و ایجاد ویژگی‌هایی مانند صبر، گذشت و تعهد خانوادگی در آنها به ایجاد روابط همدلانه میان زوجین کمک می‌کند (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۲). دین و مذهب می‌تواند بر دیدگاه فکری و ارزشی همسران تأثیر بگذارد؛ زیرا ارزش‌های مذهبی بر دیدگاه زوج‌ها درباره اهداف ازدواج و میزان توافقی که هریک از آنها بر موضوعات خاص دارند، اثر می‌گذارد (پارگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵). همچنین احتمال اینکه افراد دین‌دار، ازدواج خود را دارای کیفیت معنوی ببینند و به همین دلیل اهل گذشت و فداکاری باشند، بیشتر است. هرگاه تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می‌گیرد، مذهب می‌تواند با مفاهیم معنوی، ارزش‌های مذهبی مشترک و تأکید بر مفاهیمی مانند تقدس ازدواج، اختلاف‌نظر افراد را تعدیل کند و مسیر حل تعارضات زناشویی را هموار سازد (هراتیان و دیگران، ۱۳۹۴). خداپاوری، تقوادماری و معنویت نقش بسیار مهمی در مسئولیت‌پذیری و تعهد زناشویی همسران ایفا می‌کند (ماهونی، ۲۰۱۰). هنگامی که همسران رویدادهای زندگی

را با معنا و دارای اهمیت معنوی درک می‌کنند، رضایت زناشویی بیشتر و تعارضات کمتری تجربه می‌کنند و بهتر می‌توانند مشکلات موجود در رابطه زناشویی را حل کنند (ماهونی و پارگامنت، ۲۰۰۱). بنابراین بر اساس تحلیلی که صورت گرفت، خانواده‌های طلاب که معمولاً از سبک زندگی اسلامی برخوردارند و به مسائل دینی پایبند هستند و از آنها در زندگی خود بهره می‌برند از تعارضات پایینی برخوردارند.

نتایج این پژوهش گامی است در آسیب‌شناسی عوامل زمینه‌ساز اختلاف و تعارض بین همسران و در نتیجه جدایی و طلاق آنها که می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان کلان و خرد سازمانی و تربیتی برای تحکیم خانواده و جلوگیری از افزایش میزان ناسازگاری و طلاق قرار بگیرد. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند برای هدف‌گذاری بسته‌های آموزش خانواده و همسران جوان در اتخاذ سبک زندگی اسلامی و برنامه‌های اخلاقی و معنوی باشد. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی برای طرح‌های درمانی و مشاوره همسران، به سبک زندگی افراد توجه کافی شود. همچنین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش بر روی مؤلفه‌های تعارضات زناشویی، هرچند کم، اما «واکنش‌های هیجانی» و «کاهش ارتباط مؤثر» نسبت به سایر خرده‌مقیاس‌ها تا حدودی بیشتر می‌باشد. پیشنهاد می‌شود که نهادهای حوزوی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود به طلاب و خانواده‌های آنها به افزایش ارتباط مؤثر و کاهش واکنش‌های هیجانی توجه داشته باشند.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- احمدی، خدابخش و دیگران (۱۳۸۵). مقایسه اثربخشی دو روش مداخله‌ای تغییر شیوه زندگی و حل مشکل خانوادگی در کاهش ناسازگاری زناشویی. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۹(۱۷)، ۳۸-۹.
- اخوی ثمرین، زهرا و خزاعی، سمانه (۱۳۹۹). نقش سبک زندگی در سلامت جسمی و روانی افراد. *اولین همایش ملی آسیب‌شناسی روانی*. اردبیل. <https://civilica.com/doc/1151579>
- آرمند، محمدعلی و رسولی‌نژاد، سیدپویا (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با نشاط اجتماعی و رضایت از زندگی شهر یزد. *همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت*. زنجان. <https://civilica.com/doc/399981>
- بارون، رابرت و دیگران (۱۳۸۹). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه یوسف کریمی. تهران: روان.
- برجلی، احمد و دیگران (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سبک زندگی اسلامی با رضایت زناشویی با واسطه‌گری خوش‌بینی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۲(۲۲)، ۶۲-۴۳.
- پریسوز، اعظم و زارعی، اقبال (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش سبک زندگی اسلامی بر رضایت زناشویی زوجین مستعد طلاق. *اولین کنفرانس ملی خانواده سالم*، انجمن مشاوره ایران. دانشگاه شهید چمران. <https://www.sid.ir/paper/877572/fa>
- پیرساقی، فهیمه و دیگران (۱۳۹۴). تعارض‌های زناشویی؛ نقش سبک‌های دفاعی و طرح‌واره‌های هیجانی. *روان‌پرستاری*، ۱(۱)، ۶۹-۵۹.
- تبریزی، مصطفی و دیگران (۱۳۸۹). فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی. تهران: فراوان.
- ثانی‌ذاکر و دیگران (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- جمالی، فاطمه‌سادات و اسلمی، الهه (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای خودتمایز یافتگی، در رابطه بین سبک زندگی و تحمل‌پیشانی با تعارضات زناشویی زنان شاغل. *روان‌شناسی زن*، ۶(۲)، ۶۳-۴۶.
- حسینی کامکار، الناز و دیگران (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش تغییر سبک زندگی در ارتقای سلامت روان و حل تعارضات زوجین با ناسازگاری زناشویی. *نسیم‌تندرستی*، ۲(۲)، ۴۹-۴۱.
- خدایاری‌فرد، محمد و دیگران (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. *خانواده‌پژوهی*، ۳(۲)، ۶۲۰-۶۱۱.
- درب اصفهانی، فریده و دیگران (۱۳۹۷). همبستگی بین سبک زندگی اسلامی با رضایت از زندگی و سلامت روان. *سبک زندگی اسلامی یا محوریت سلامت*، ۲(۳)، ۱۳۱-۱۳۵.
- درویشی، شهناز (۱۳۹۴). *بررسی رابطه سبک‌های حل تعارض و سبک زندگی با صمیمیت زناشویی زوجین شاغل آموزش و پرورش شهرستان قشم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. هرمزگان: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه هرمزگان.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
- سالاری‌فر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۲). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرشی به منابع اسلامی*. تهران: سمت.
- سلم‌آبادی، مجتبی و دیگران (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک زندگی اسلامی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه بیرجند. *دین سلامت*، ۳(۱)، ۱-۱۰.

- شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی آموزش گروهی سبک زندگی سالم بر رضایت از زندگی در زوجین دارای طلاق عاطفی شهر کرمان. سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روان‌شناسی. تهران.
- صدیقی، اکرم و دیگران (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با رضایت زناشویی زوجین شهر قم. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۲(۶)، ۹۶۵-۹۷۱.
- صیامی، مسعود و دیگران (۱۳۹۶). مقایسه سبک زندگی و سلامت روانی در دبیران تربیت بدنی و سایر دبیران شهرستان بیرجند. *اصول بهداشت روانی*، ۱۹(۶)، ۶۴۷-۶۴۱.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- غباری بناب، باقر (۱۳۸۰). مطالعاتی در قلمرو مشترک دین و روان‌شناسی. *روشن‌شناسی علوم انسانی*، ۷(۲۹)، ۹۸-۱۰۹.
- فاتحی‌زاده، مریم و دیگران (۱۳۹۵). مدیریت تعارض‌های زناشویی با رویکرد حل مسئله از منظر مشاوره خانواده و اسلام. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹(۷۴)، ۹۵۶۷.
- فانی، حجت‌اله و فانی، معصومه (۱۳۹۴). رابطه بین تعارضات زناشویی والدین با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان دختر. *زن و جامعه*، ۴(۴)، ۵۹-۷۶.
- فالی، محمدتقی (۱۳۹۷). نسبت‌سنجی سبک زندگی اسلامی با دانش اخلاق و مفاهیم ارزشی. *پژوهش‌نامه اخلاق*، ۱۱(۴۲)، ۱۵۲-۱۳۳.
- قربانی، نادیه و دیگران (۱۳۹۶). بررسی سبک زندگی اسلامی با سلامت روان زنان هیئت علمی دانشگاه‌های شهر تهران. *پژوهش‌نامه سبک زندگی*، ۳(۲)، ۷۸-۶۱.
- کاظمیان، سمیه و دیگران (۱۳۹۲). طراحی الگوی آموزشی حل تعارض خانواده: بر مبنای دیدگاه انسان‌شناسانه آیت‌الله جوادی آملی. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (ویژه‌نامه سبک زندگی)*، ۴(۱۳)، ۱۱-۳۴.
- کجباف، محمدباقر و دیگران (۱۳۹۰). رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان. *روان‌شناسی و دین*، ۴(۴)، ۶۱-۷۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لانگ، لین ال. و یانگ، مارک ای (۱۳۹۲). *مشاوره و درمان مسائل زن و شوهری: مشاوره و روان‌درمانی برای مشکلات زوجها*. ترجمه علی‌محمد نظری و دیگران. تهران: آوای نور.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و دیگران (۱۳۹۲). بررسی عوامل مرتبط با تعارض زناشویی در شهر شیراز. *علوم اجتماعی*، ۷(۴)، ۱۸۱-۱۸۰.
- منصوریان، محمدکریم و فخرایی، سیروس (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز. *تحقیقات زنان*، ۱۱(۱)، ۷۵-۱۱۳.
- موسوی، سیده‌فاطمه و قلی‌نسب قوجه‌بیگلو، رقیه (۱۳۹۸). نقش حمایت عاطفی و خودتعیین‌گری در پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان متأهل. *مطالعات زنان و خانواده*، ۱۷(۱)، ص ۵۱-۷۱.
- مولوی، محمدحسین (۱۳۹۴). *مهارت‌های غیرکلامی مؤثر در حل تعارض‌های زوجین از دیدگاه آیات و روایات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: مؤسسه اخلاق و تربیت.
- میرشمشیری، مرجان و دیگران (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین احقاق جنسی و تعارضات زناشویی در زنان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۳(۲)، ۱۵۵-۱۶۴.

نیکویی، مریم و سیف، سوسن (۱۳۸۴). بررسی رابطه دین‌داری با رضایتمندی زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۴(۱۳)، ۷۹-۶۱.
 هراتیان، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۴). رابطه پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی و تفاوت آنها در میان زوجین. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۳(۲)، ۱۱۷-۱۰۱.

الهری، مطهره و سهرابی، نادره (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری و تعارضات زناشویی بر اساس سبک زندگی. سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. مشهد. <https://civilica.com/doc/593684>.

هوشمند، رودابه و دیگران (۱۴۰۰). شناسایی و سنجش عوامل محوری و پیرامونی تعارضات زناشویی در جمعیت فارسی زبان (مطالعه ترکیبی). خانواده درمانی کاربردی، ۲(۴)، ۴۰۶-۳۸۳.

یعقوبی سربالا، حسن و دیگران (۱۳۹۷). رابطه ابعاد دین‌داری و جهت‌گیری دینی با رضایت زناشویی. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۴(۹)، ۱۵۹-۱۸۲.

Ansbacher, H. L. & Ansbacher, R. (1956). *The Individual Psychology of Alfred Adler*. New York: Basic Books.

Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1992). Four types of premarital couple. An empirical typology based on PREPARE. *Journal of Family Psychology*, 6, 10-21.

Glenn, N. D., & weaver, C. N. (1987). multivariate, multisurvey study of happiness. *journal of marriage and family*, 40, 267-282.

Halford, W. K. (2001). *Brief therapy for couples: Helping partners help themselves*. New York: Guilford Press.

Mahoney, A. (2010). Religion in families, 1999– 2009: A relational spirituality framework. *Journal of Marriage and Family*, 72, 4, pp 805–827.

Mahoney, A. Pargament, K. I. Tarakeshwar, N. & Swank, A. B. (2001). Religion in the home in the 1980s and 90s: A meta-analytic review and conceptual analyses of links between religion, marriage and parenting. *Journal of Family Psychology*, 15, 559-596.

Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13(3), 321–338.

Pargament, K. L. & Mahoney, A. (2005), Sacred matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion, *International Journal for the Psychology of Religion*, 15(3), 179-198.